

بررسی و ارزیابی نتایج کاوش گورستان چم ژی مومه

حجت دارابی^۱



مقدمه:

از اوایل قرن بیستم دو منطقه ی پشتکوه و پیشکوه همواره مورد توجه باستان شناسان قرار گرفته است. اولین کسی که به خاک لرستان قدم نهاد ژان دومرگان بود. بعد از وی افرادی دیگر مانند هرتسفلد، گیرشمن، اشمیت، استین و بالاخره واندنبرگ به بررسی و حفاری در نقاط مختلف این دو منطقه پرداخته اند (معمدی ۱۳۶۵).

اگر چه در ابتدا شهرت مفرغ های لرستان باستان شناسان را به این مناطق سوق داد، ولی در دو دهه ی ۷۰ و ۸۰ میلادی باستان شناس بلژیکی پروفیسور لوئی واندنبرگ با ۱۵ فصل کاوش اقدام به مطالعه گورستان های ادوار مختلف پشتکوه از مس - سنگی تا عصر آهن ۳ نمود. وی در نتیجه ی کاوش های خود این گورستان ها را به هفت دوره تقسیم نموده، که بر اساس آن دوره های ۵، ۶ و ۷ به ترتیب مطابق با عصر آهن ۱، ۲ و ۳ می باشند (مدودسکابا

چکیده:

گورستان چم ژی مومه^۲ (Cham-e-zhi Mumah) که مربوط به عصر آهن ۳ می باشد، در سال های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ میلادی توسط واندنبرگ حفاری گردید. در گزارش نهائی کاوش که توسط هرینک و اورلت منتشر گردیده، نظریاتی مبنی بر این که افراد این گورستان توسط آشوری ها از سوریه مهاجرت داده شده و نیز تعدادی مزدور وابسته به آشور در بین آن ها بوده و از نظر هنری تحت نفوذ آشور قرار داشته اند، آمده است. بنابراین در این نوشتار با بررسی داده های مکشوفه از گورستان و مقایسه آن ها با دیگر گورستان های منطقه ی پشتکوه، ضمن ارزیابی و نقد نظریات مذکور نتایجی مبنی بر اینکه گورستان چم ژی مومه مربوط به ساکنان بومی منطقه بوده، به دست آمده است.

واژگان کلیدی: پشتکوه، چم ژی مومه، فرهنگ بومی - انطباقی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه تهران

۲- در گزارش نهائی نام گورستان به صورت Chamahzi Mumah آمده، ولی تلفظ درست و محلی آن چم ژی مومه است.

تخته سنگ‌هایی پوشانده شده، قرار گرفته است. برخی از گورها دارای سنگ سر (head stone) بوده که جهت سر مرده را نشان می‌دهد. به دلیل از بین رفتن اسکلت‌ها شناسایی جنسیت مرده از طریق اشیای تدفینی انجام گرفته است. تمام گورها انفرادی بوده و فاقد تدفین ثانویه می‌باشند. در بعضی موارد سنگ چین‌های فوقانی دو گور مجاور، هم دیگر را قطع نموده که نشان گر فاصله زمانی بین دو تدفین می‌باشد، و در مواردی از سنگ چین بعضی گورها جهت ساخت گوری دیگر استفاده شده است. اندازه گورها متفاوت بوده به طوری که کوچکترین آن‌ها به ابعاد $50 \times 30 \times 40$ و بزرگترین گور $250 \times 90 \times 90$ سانتی متر است. (Haerink & Overlaet 1998, pp.2-4) (شکل ماره ۲).

مقایسه اشیای گورستان

هر چند که از گورستان چم ژی مومه اشیاء متنوعی مانند سفالینه‌ها، لوازم تزئینی، مهر، ظرف سنگی و... به دست آمده است، ولی این صرفاً ادوات جنگی و نقش یک سطل برنزی بوده است که دست دیگر اشیاء را از شرکت در نتایج مذکور کوتاه نموده و بی تأثیر ساخته است. این امر ما را بر آن داشته تا با پیمودن راهی دیگر، یعنی توجهی هر چند کلی و اجمالی به دیگر داده‌های گورستان، به بررسی این نظریات بپردازیم.

سفالینه‌ها: سفال‌های گورستان که ۳۰ درصد اشیای تدفینی را تشکیل داده، شامل سه طیف نخودی ظریف، نخودی ساده و معمولی و سیاه مایل به خاکستری ظریف می‌باشند. اشکال سفال‌ها نیز اغلب شامل سبو، قوری و کاسه هستند، که در برخی موارد دارای تزئینات کنده در قسمت شانه می‌باشند (Overlaet Haerink & 1998). از نظر گونه‌شناسی (Typology) سفال‌های این گورستان از نوع سفال‌های بومی منطقه‌ی پشتکوه بوده که نمونه‌های مشابه آن‌ها از گورستان‌های عصر آهن ۱ تا ۳ خود منطقه به دست آمده است (Overlaet 2003). به طور کلی می‌توان گفت که سفال‌های گورستان چم ژی مومه در ادامه‌ی سفال‌گری دوران ماقبل بوده و تغییر محسوسی در آن‌ها دیده نمی‌شود (شکل شماره ۳).

۱۳۸۳، ص ۲۵) از جمله این گورستان‌ها چم ژی مومه می‌باشد که در سال‌های ۷۵-۱۹۷۴ م. در دو فصل مورد کاوش قرار گرفته است. اگرچه مرگ کاوش گر در سال ۱۹۹۳ م. مانع از انتشار گزارش کاوش توسط وی گردید، این امر توسط شاگردانش در سال ۱۹۹۸ م. انجام یافت. گزارش مذکور حاوی نظریاتی می‌باشد که ما را به بررسی و ارزیابی آن‌ها واداشته است. این نظریات به شرح زیر می‌باشند:

- افراد دفن شده در گورستان، تبعید شدگان سوری به وسیله آشوری‌ها بوده اند.

- فقدان اشیاء برنزی شاخص لرستان در گورستان، نشان گر نفوذ هنر آشور در آن است.

- فراوانی وسایل جنگی در گورستان حاکی از وجود تعدادی مزدور وابسته به آشور در آن جا است.

(Haerink & Overlaet 1998, p.43)

بنابراین در این نوشتار سعی بر آن شده تا با بررسی اشیای گورستان و مقایسه‌ی آن‌ها با دیگر گورستان‌های پشتکوه نظریات بیان شده مورد ارزیابی قرار گیرد.

موقعیت و مشخصات گورستان چم ژی مومه

گورستان چم ژی مومه در فاصله‌ی ۴۸ کیلومتری شمال غربی شهر ایلام، و در ۱ کیلومتری شمال شرق روستای مومه از توابع بخش چوار، در کناریکی از شعبات رودخانه مومه قرار گرفته است (شکل شماره ۱). قرارگیری گورستان در شیب باعث مدفون شدن گورها در زیر ۲-۲/۰۷ متر رسوب و در نتیجه مصون ماندن آن‌ها از حفاری قاچاق شده است.

نظر به این که گورستان در محل پیچ رودخانه (meander) قرار گرفته، لذا شستسوی کناره‌ها توسط آب رودخانه منجر به نمایان شدن تعدادی از گورها شده که طی یک گمانه آزمایشی ۴ گور از آن‌ها کاوش گشته است. به طور کلی طی دو فصل کاوش در سال‌های ۵-۱۹۷۴ میلادی توسط واندنبرگ ۸۱ گور در دو ترانشه با ابعاد 20×51 متر کاوش گردیده است.

ساختار گورها مشابه است، به طوری که ابتدا دارای ردیفی سنگ چین به صورت حلقوی بوده و سپس در عمق ۷۰-۳۰ سانتی متری پائین تر از این سطح، سطح اصلی گور که با

در گزارش نهایی تمرکز فقط بر روی یک کاسه یا جام برنزی نقش شکار و نیز یک سطل برنزی با نقش جنگ و درگیری بوده، لذا آن چنان که باید و شاید به دیگر اشیاء توجه نشده است. بنابراین ما نیز به ناچار به بررسی و مقایسه این دو ظرف برنزی می‌پردازیم.

سطل برنزی که از گور شماره ۴۳ به دست آمده، به شکل استوانه و با دسته ای غیر ثابت که بعد از حکاکی نقوش به بدنه میخ پرچ شده، می‌باشد. بر روی این سطل صحنه ی جنگ در یک طرف قلعه و صحنه ی اسیران جنگی در طرف دیگر آن به نمایش در آمده است (Haerink&Overlaet 1998:p.27). صحنه حمله با سبک حملات آشوری‌ها که در نقوش برجسته ی خود آن‌ها آمده، قابل مقایسه می‌باشد. هم چنین کلاهخود فرد کماندار و صحنه حرکت اسب‌ها آشوری است. از طرف دیگر نمای تمام رخ اسیران و نیز حالت دویدن کماندار با گام‌های بلند یک سبک غیر آشوری است (Markoe ۱۹۸۵). مهمترین نقش روی این سطل برنزی، تصویر قلعه ای است که شکل و شمایل آن مشابه قلعه‌های شمال سوریه در نقوش برجسته آشور نو می‌باشد. این قلعه‌ها دارای برج‌های کنگره داری بوده که قسمت فوقانی آن‌ها عریض تر از قسمت پائین بوده و دارای دروازه ای بزرگ و قوسی شکل با دو برج در دو طرف هستند (Gunter 1982) (شکل شماره ۶). بر روی یک ظرف برنزی مکشوفه از گورستان و رکبود نیز نقش چهار دژ با چهار اسفنجکس در بین آن‌ها، بدست آمده (فیروزمندی و عبدالهی ۱۳۸۴، ص ۱۹)، که قابل مقایسه با سطل مذکور می‌باشد. از دیگر ویژگی سطل مذکور نوارهای طنابی شکل است که به صورت دو ردیف در بالا و پائین ظرف، شکل یک قاب را برای نقوش حکاکی شده به وجود آورده است. به نظر ارنی هربنک و اورلت این نقش منحصر به زاگرس می‌باشد، لذا به این نتیجه رسیده اند که سازنده این سطل یک غیر آشوری بوده که تحت نفوذ شدید هنر آشور قرار داشته است. (Haerink&Overlaet 1998).

با نگاهی اجمالی به داده‌های به دست آمده از دیگر مناطق همجوار زاگرس می‌توان به این نتیجه رسید که نقش طنابی شکل در سراسر آسیای غربی در نیمه ی اول هزاره اول ق.م. رواج داشته است. برای نمونه می‌توان به وفور این نقش بر روی اشیاء مارلیک اشاره کرد. هم چنین بر روی جام‌های حسنلو، کلاردشت، امش، ارجان، سفال‌های حسنلو، ساغراهای لرستان، مهرهای بابلی

ادوات جنگی: ابزارهای جنگی به دست آمده از گورستان شامل سر پیکان، خنجر و تبرهای آهنی و تیشه-تبر، سرگرز، سپر و سرپیکان‌های برنزی می‌باشند. سر پیکان‌ها که به جز یک نمونه ی برنزی بقیه از آهن ساخته شده اند، فرسایش یافته و تقریباً از بین رفته اند. ولی با این وجود شکل بعضی از آن‌ها مشابه سرنیزه می‌باشد. نمونه‌های قابل مقایسه و مشابه این اشیاء از دیگر گورستان‌های منطقه و هم چنین از سرخ دم لری و حسنلو ۴ به دست آمده است. به نظر می‌رسد برخی از سرپیکان‌ها برای شکار و برخی دیگر در جنگ و نزاع به کار رفته اند. خنجرهای آهنی گورستان نیز به دلیل قرار گرفتن در معرض رطوبت فرسوده شده اند. دسته ی آن‌ها با میخ‌های برنزی به تیغه پرچ شده است. به نظر می‌رسد در مواردی جنس دسته‌ها از چوب، عاج و یا استخوان بوده، زیرا به طور کامل از بین رفته اند. (Haerink&Overlaet 1998)

به هر حال از نظر گونه شناسی خنجرهای گورستان مذکور با دیگر گورستان‌های منطقه مانند و رکبود، گل خان مرده و سرکبود قابل مقایسه می‌باشند. از سوی دیگر مقایسه این اشیاء با خنجرهای آشوری و سوری موجود در نقوش برجسته و دیواری آشوری‌ها حاکی از تفاوت بارز آن‌هاست (تصویر شماره ۴). سپرهای برنزی چم‌زی مومه که دارای برجستگی توخالی در مرکز بوده، از تشابه مشهودی با سپرهای به دست آمده از گورستان‌های گل خان مرده، تاتول بان چینان، چوب‌گوهر، سرکبود و خاتون آباد برخوردار می‌باشند (Ibid). هم چنین مقایسه این اشیاء با نمونه‌های آشوری حکایت از تفاوت آن‌ها دارد (شکل شماره ۵). بررسی دیگر ادوات جنگی گورستان مانند سرگرزها و تیشه-تبرها نیز نشان گر وجود اشیایی است که در دیگر گورستان‌های منطقه ی پشتکوه به دست آمده‌اند.

ظروف برنزی: با توجه به این که ظروف برنزی گورستان چم‌زی مومه نقشی اساسی را در نتیجه گیری ایفا کرده اند، لذا ضروری است که این موضوع بیشتر مورد بحث قرار گیرد. البته لازم به ذکر است که از ۳۸ ظرف به دست آمده، فقط نقش روی سطل برنزی بوده که زمینه ساز نظریه تبعید از سوریه به زاگرس گشته است. بیشتر ظروف مکشوفه کاسه‌های ساده و کم عمق بوده که دو نمونه با قبه ی مرکزی نیز در میان آن‌ها وجود دارد. نظر به اینکه

دایره شکل اطراف گل لوتوس را نیز می‌توان در روی سفال‌های گورستان‌های پشتکوه، مانند جوب گوهر، پشت کبود، بردبال و... مشاهده نمود. همچنین کاسه‌ی برنزی مکشوفه از گورستان بردبال هم از جهانی با جام چم ژی مومه قابل مقایسه است. با این حال این احتمال نیز وجود دارد که طرح‌های طنابی و گل لوتوس رایج در مفرغ‌های لرستان از طریق اقوام ساکن در جنوب بین‌النهرین، از منطقه‌ی سوریه به لرستان نفوذ یافته باشند (مجیدزاده ۱۳۶۹، ص ۲۳). در این زمینه لازم است به کوچ دامپروران به مناطق پست و ارتباط آن‌ها با ساکنان میان رودان توجه شود، زیرا به نظر می‌رسد اقوام کوچ نشین پشتکوه پس از کوچ به مناطق پست قشلاقی در ارتباطی مستقیم با ساکنان میان رودان جنوبی قرار گرفته اند.

در نتیجه‌ی تحلیل سبکی و شمایل نگاری که گلن مارکو بر روی این دو ظرف گورستان چم ژی مومه انجام داده محل تولید آن‌ها خود ایران بوده، که به طور مستقیم و یا به وسیله‌ی آشوری‌ها از مدل‌های فینیقی و سوریه شمالی تأثیر پذیرفته اند (Markoe 1985). موضوع پایانی این نوشتار مسائل تاریخی و سالنامه‌های آشوری می‌باشد. بر اساس سالنامه‌های آشوری از دوره‌ی تیگلات پیلسر سوم سیاست خارجی آشور تغییر یافته است، زیرا قبل از آن پس از فتح هر سرزمینی تعدادی از ساکنان آن قلع و قمع شده و تعدادی نیز به بردگی برده می‌شد. در حالی که از این دوره پس از تصرف هر منطقه ساکنان آن به مناطقی خالی از سکنه تبعید شده و یا با وضع مالیات‌های سنگین در جای خود باقی گذارده شده اند (دیاکونوف ۱۳۸۰، ص ۴۸۱).

بنابر کتیبه‌های تیگلات پیلسر سوم، وی در سال ۷۴۱ ق.م. پس از تصرف حماه در سوریه، ۳۰ هزار نفر از ساکنان آن را به زاگرس تبعید کرده است (مجیدزاده ۱۳۷۶). از سوی دیگر طبق کتیبه‌های سناخریب، وی نیز در سال ۷۰۲ ق.م. به قوم اییبی حمله نموده است، که ابتدا جهت جلوگیری از اتحاد قبایل کوچ نشین منطقه با همسایه‌ی خود، یعنی اییبی بر ضد آشور به این قبایل حمله ور شده است (گیرشمن ۱۳۴۶، ص ۲۸۲). قوم اییبی در لرستان حکومت داشته و در بعضی مواقع متحد ایلام و در مواقعی متحد آشور بوده است، ولی در منابع به ندرت از آن یاد شده است (لوین ۱۳۸۱، ص ۴۵۱). نکته قابل ذکر این است که نقش داده‌های باستان‌شناسی

و هوری-میتانی و... نیز دیده می‌شود. به نظر آنتون مورنگات از دلایل اصلی پراکندگی و گسترش این نقش، گسترده‌ی قلمرو میتانی‌ها در اواسط هزاره دوم ق.م. از فلسطین تا زاگرس می‌باشد (مورنگات ۱۳۷۷). اما باید به نقش آشوری‌ها نیز توجه داشت، زیرا در اوایل هزاره اول ق.م. قدرت برتر منطقه بوده و بر راه‌های تجاری و ارتباطی آن نظارت داشته اند.

جام برنزی چم ژی مومه نیز که از گور شماره‌ی ۳۷ به دست آمده، دارای نقش یک گل لوتوس با گلبرگ‌های نوک تیز در اطراف قبه‌ی مرکزی و صحنه‌ی شکار در روی جداره‌ی داخلی می‌باشد. این صحنه مشتمل بر دو نفر کماندار است که یک زانوی خود را بر زمین گذاشته و در حال شکار حیوانات فراری می‌باشند. جهت یکی به سمت راست و جهت دیگری به طرف چپ می‌باشند و هر دو دارای ریش بلند، دامن کوتاه با کمر بند، بالاتنه‌ی لخت و خنجر به کمر بسته، حک شده اند (Haerincx & Overlaet 1998). به نظر می‌رسد درخت پشت سر شکارچی نقطه شروع صحنه باشد، به طوری که وقتی حیوانات به وسیله‌ی این شکارچی فراری شده اند، نفر دوم از راه رسیده و با سد راه یکی از حیوانات باعث برگشت آن شده است و در نتیجه تنها دو حیوان به محاصره دو شکارچی در آمده است. نکته‌ی قابل توجه برگشت سر هردو شکار به سوی شکارچیان می‌باشد که نمونه‌های مشابه‌ی این صحنه را می‌توان در روی دو مهر استوانه‌ای از مارلیک و چغازنبیل مشاهده نمود. در روی این دو مهر نیز در حالی که کماندار یک زانوی خود را بر زمین گذاشته، به سوی شکاری که سر خود را بر گردانده، نشانه گیری کرده است (پرادا ۱۳۷۵، ص ۷۵) (شکل شماره ۷). هر چند گیرشمن منشاء این گونه صحنه‌ها را شمال سوریه و هیتی می‌داند (گیرشمن ۲۸۰، ص ۱۰۷)، ولی بر اساس این موضوع نیز نمی‌توان نظریه‌ی مبتنی بر مهاجرت از شمال سوریه را پذیرفت، زیرا در اوایل هزاره اول ق.م. بر هم کنش جوامع با وجود حکومت‌های آسیای غربی به حد بی سابقه‌ی خود رسیده که این امر در وجود مشابهت‌های بین اشیاء مختلف مناطق گوناگون نمایان شده است و معلوم نیست که این شباهت‌ها تحت تأثیر مستقیم کدام منطقه یا مناطق به وجود آمده است. از سوی دیگر مقایسه‌ی جام برنزی مورد نظر با برخی از اشیاء مکشوفه از ایران مانند موارد فوق الذکر نیز حاکی از پراکندگی این نقش در روی آن‌هاست. بر این منوال باند‌های

می‌باشد. با توجه به این که زندگی کوچ نشینی نوعی الگوی معیشتی انطباقی (Adaptive Subsistence) در ارتباط با محیط پیرامون است، لذا تا عوامل بیرونی مانند زندگی شهری امروزی باعث به هم خوردن این انطباق نشود، الگوها و ساختارهای آن هم چنان باقی خواهند ماند. براین اساس از آنجایی که تا چند دهه‌ی پیش همواره در بین قبایل کوچروی منطقه‌ی پشتکوه آلات و ادوات جنگی جهت دفاع از خود در مقابل دیگر قبایل ویا برای حمله به آن‌ها رواج داشته است، بنابراین به نظر می‌رسد که اشیاء جنگی در گورستان‌های این منطقه نیز به دلیل این امر باشد.

نظریه‌ی سوم که در مورد گورستان چم ژی مومه آمده، تأثیر هنر آشور بر آن می‌باشد. همان طوری که قبلاً ذکر شد نتایج به دست آمده از کاوش گورستان بر اساس تعداد محدودی از داده‌ها بوده است، هر چند که در متن خود گزارش به مقایسه‌ی اشیاء با دیگر گورستان‌های مجاور و همزمان پرداخته شده، ولی این موضوع در نتایج هیچ تأثیری نداشته است. از سوی دیگر مقایسه‌ی برخی اشیاء با نمونه‌های آشوری نشان گر تفاوت آن‌ها می‌باشد. بنابراین با توجه به وجود داده‌های تدفینی شاخص منطقه در گورستان چم ژی مومه می‌توان گفت که گورستان مذکور نیز در زمره‌ی دیگر گورستان‌هایی می‌باشد که محصول فرهنگ بومی جوامع کوچ نشینی بوده که در انطباق با محیط به آن دست یافته اند.

کتابشناسی:

- ۱- پرادا، ادیت، ۱۳۷۵، جغازنبیل، جلد چهارم (حکاکی‌ها)، ترجمه اصغر کریمی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- ۲- دیاکونوف، ایگور، میخائیلوویچ، ۱۳۸۰، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ ششم (چاپ اول ۱۳۴۵)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- فیروزمندی، بهمن و عبدالهی، مصطفی، ۱۳۸۴، "فرهنگ تدفین در لرستان (نیمه اول هزاره اول ق.م)"، مجله دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۳-۱۷۲، صص ۱۱۰-۷۸.
- ۴- گیرشمن، رومن، ۱۳۸۰، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ سیزدهم (چاپ اول ۱۳۳۶)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- گیرشمن، رومن، ۱۳۴۶، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۶- لوین، لوئیس د. ۱۳۸۱، "عصر آهن"، در: باستان شناسی غرب

در مقابل مباحث این سائنامه‌ها چیست، آیا باید داده‌ها را در جهت آن‌ها تفسیر کرد ویا با توجه به اینکه داده‌های باستان شناختی ذاتاً بی طرف هستند آن‌ها را جهت ارزیابی مطالب کتیبه‌ها به کار برد.

جمع بندی :

بدون تردید منطقه‌ی پشتکوه در نیمه‌ی اول هزاره‌ی اول ق.م. بارها از سوی آشوری‌ها مورد حمله قرار گرفته است، که مهم‌ترین گواه این امر نقش برجسته‌ی کتیبه دار آشوری در منطقه‌ی گل گل ملکشاهی در جنوب غربی شهر ایلام می‌باشد. هم چنین جدا از اشاره به این منطقه در سالنامه‌های آشوری، موقعیت جغرافیایی آن که مرز قلمرو دو قدرت رقیب یعنی ایلام و آشور بوده، باعث شده تا همواره مورد توجه آن‌ها باشد. بنابراین حملات نظامی بر ابعاد گوناگون زندگی ساکنان منطقه تأثیر گذاشته است و حتی ممکن است که صنعتگران و هنسرمندان آن به آشور یا ایلام منتقل شده باشند، همچنان که این موضوع در مورد ایلام به هنگام فتح آن در کتیبه‌های آشوربانیپال آمده است. نظر به قدرت گسترده‌ی نظامی آشوری‌ها در منطقه‌ی آسیای غربی که مسدیرانه را تا خلیج فارس در بر گرفته و نیز با توجه به مسئله‌ی جابجایی اقوام، احتمالاً سبک‌های هنری گسترش فرمانطقه ای داشته است. ولی با این وجود از آن جایی که نظریه‌ی مهاجرت و تبعید مردم گورستان چم ژی مومه تنها بر اساس تشابه نقش قلعه‌ی روی سطل برنزی با قلعه‌های سوری بوده، نمی‌توان آن را پذیرفت. زیرا چگونه می‌توان بر اساس یک نقش روی یک شیء از میان ۵۴۶ شیء به دست آمده به نظریه پرداز ی پرداخته و به دیگر داده‌ها توجه نداشت. در حالی که امروزه در باستان شناسی باید با در نظر گرفتن تمام جوانب یک محوطه نتیجه گیری نمود و تنها تمرکز بر روی داده‌های شاخص تر باستان شناسان را به بیراهه می‌کشاند. لازم به ذکر است که نظریه‌ی مذکور به تمام گورستان و حتی دیگر گورستان‌های منطقه‌ی پشتکوه تعمیم داده شده است. این در حالی است که داده‌های مکشوفه از دیگر گورستان‌ها به هیچ وجه از این نظر حمایت نمی‌کنند.

موضوع دیگری که باید به آن پرداخته شود، نظریه‌ی وجود مزدور به دلیل وفور ادوات جنگی در گورستان می‌باشد. شواهد باستان شناسی حاکی از رواج این اشیاء در دیگر گورستان‌های منطقه نیز

13- Gunter.A. 1982

"Representation of Urartian and Western Iranian fortress architecture in the Assyrian reliefs". Iran20, pp.103-112.

14- Haerinck,E. and Overlaet,B. 1998

Chamahzi Mumah,an iron age III graveyard .Luristan excavation documents II.Acta Iranica,vol.19.

15- Haerinck,E. and Overlaet,B.1999

Djub-i Gaūhar and Gul Khanan Murdah.iron age III sites in the Aivan plain,Luristan excavation documents III, Acta Iranica,vol.36.

16- Markoe, G.1995

"An Assyrian-style bucket from Chamzhi Mumah".Luristan.Iranica Antiqua 20,pp.43-54.

17- Markoe, G. 1995

"Phonician bronze and silver bowl from Cyprus and the Mediterranean", classical studies 26. Berkely.

18- Overlaet,B. 200318

The early iron age in the Pusht-i Kuh,Luristan excavation dunuments,vol.4, Brussels.

ایران، فرانک هول (ویراستار)، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت، صص ۴۴۹-۴۹۷.

۷- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۶۹، "جام ارجان"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، صص ۱۰-۲۶.

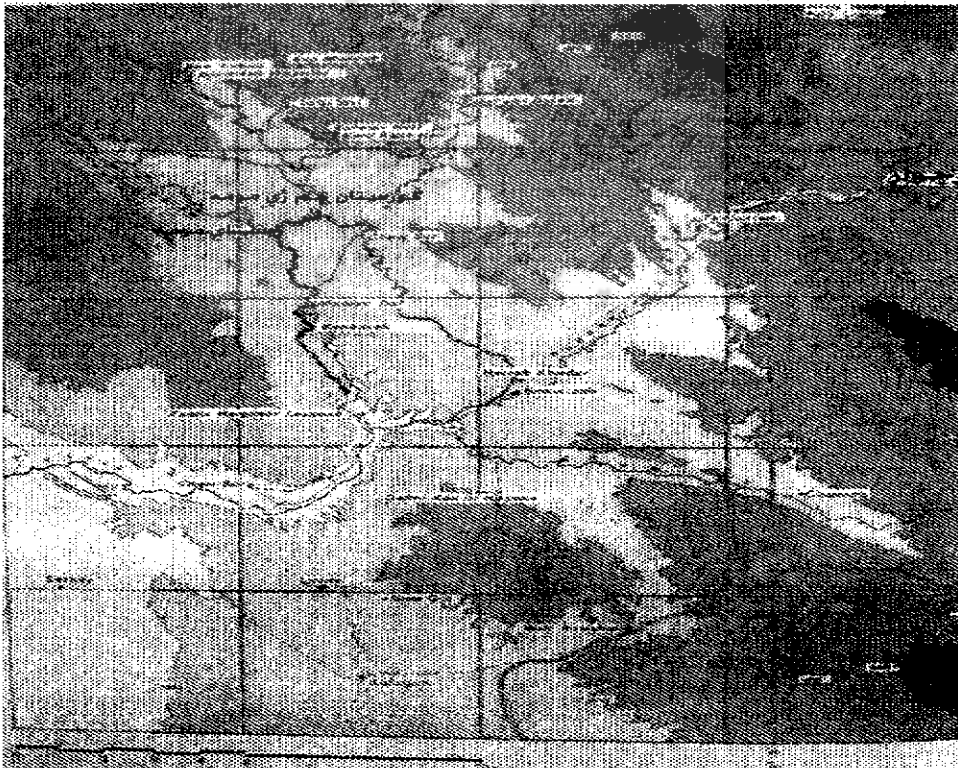
۸- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۶۷، "تاریخ گذاری سرسنجاق‌های مفرغی لرستان"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، صص ۳-۵۱.

۹- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۶، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد اول، تهران مرکز نشر دانشگاهی.

۱۰- مدوسکایا، یانا، ۱۳۸۳، ایران در عصر آهن ۱، ترجمه علی اکبر وحدتی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

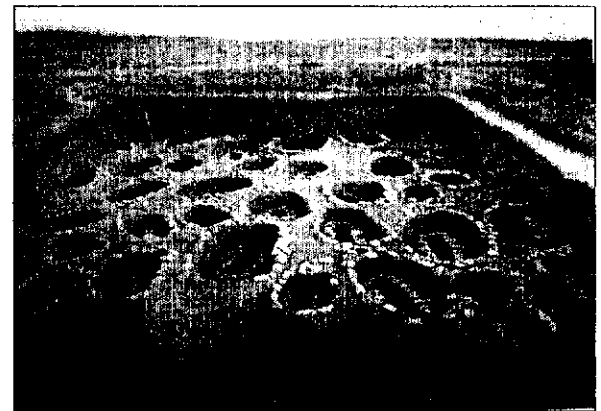
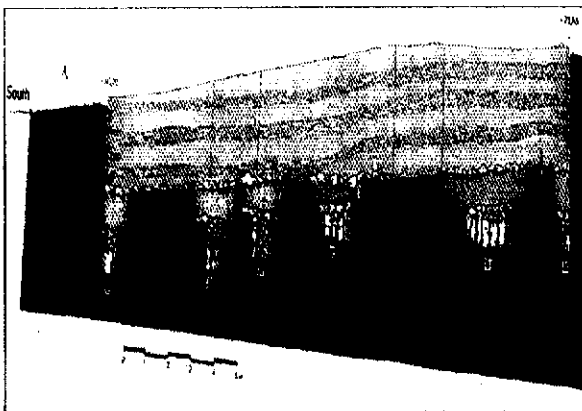
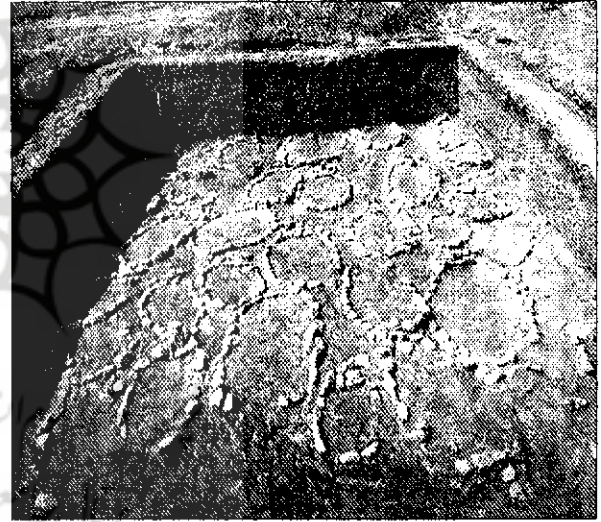
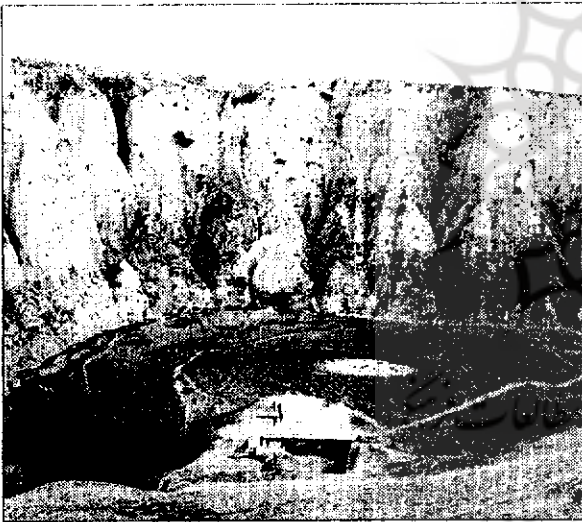
۱۱- معتمدی، نصرت، ۱۳۶۰، "آیین تدفین در لرستان هزاره اول پیش از میلاد"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، صص ۳۱-۴۲.

۱۲- مورتگات، آنتون، ۱۳۷۷، هنر بین‌النهرین باستان: هنر کلاسیک خاور نزدیک، ترجمه زهرا باستی و محمد رحیم صراف، تهران، انتشارات سمت.



شکل شماره ۱: موقعیت گورستان چم‌ژی مومه

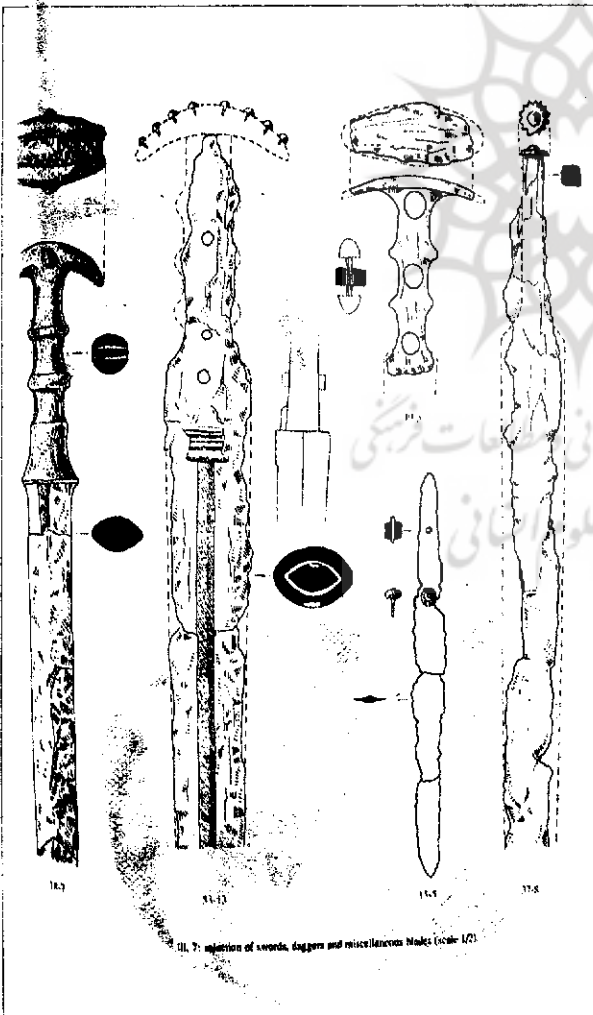
(aerink & Overlaet 1998)



شکل شماره ۲: نماهای مختلف از گورستان چم زی مومه (Haerink & Overlaet 1998)



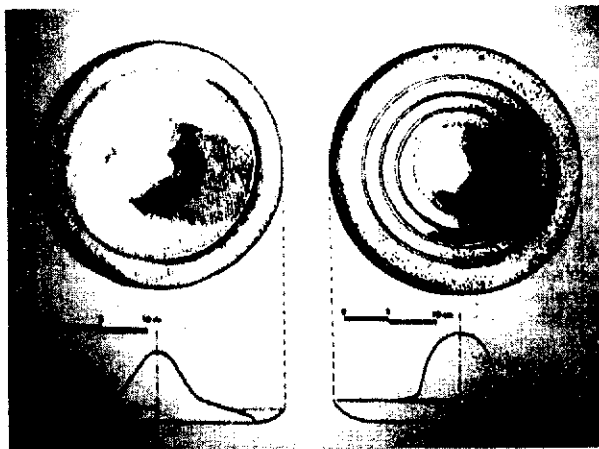
شکل شماره ۳: نمونه‌هایی از سفالهای گورستان چم‌زی مومه (Haerink & Overlaet 1998)



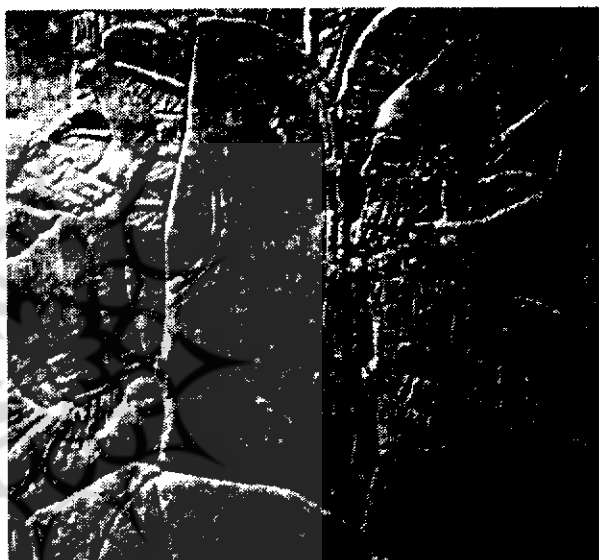
شکل شماره ۴: نمونه خنجرهای به دست آمده از گورستان (سمت چپ) و خنجرهای آشوری و سوری (سمت راست) (مجید زاده ۱۳۷۶: Haerink & Overlaet 1998)



ب



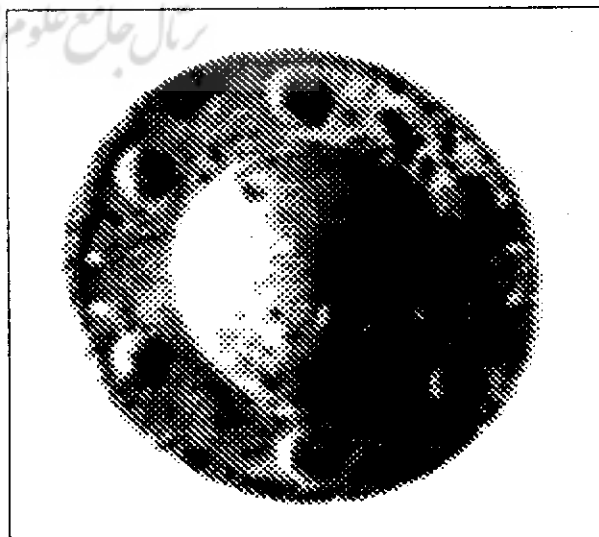
الف



ج



د



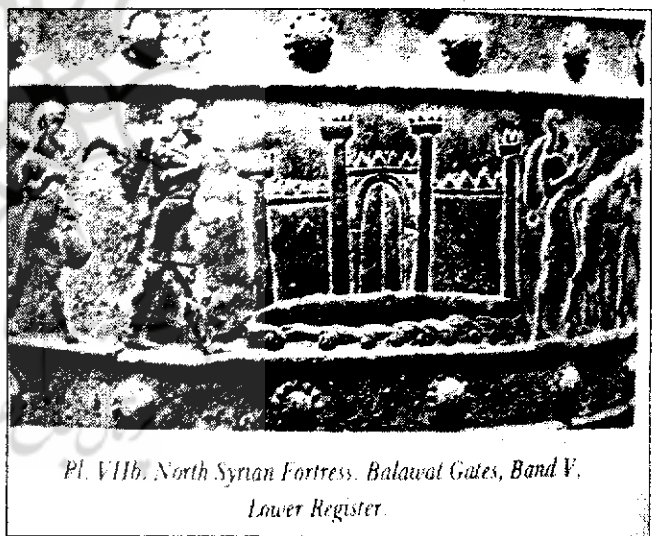
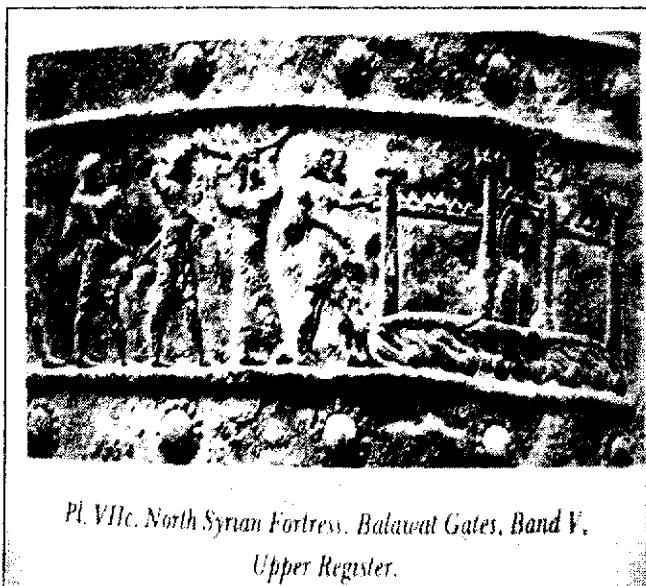
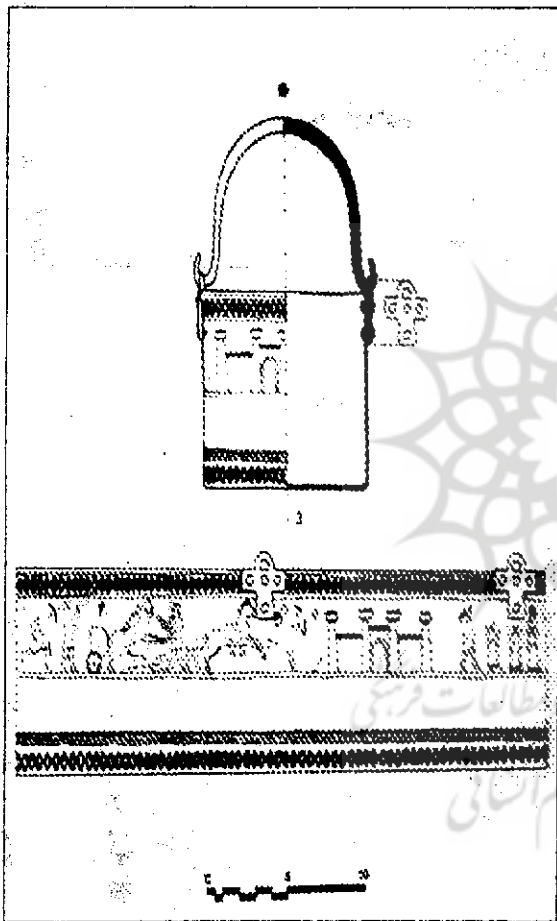
ه

شکل شماره ۵ :

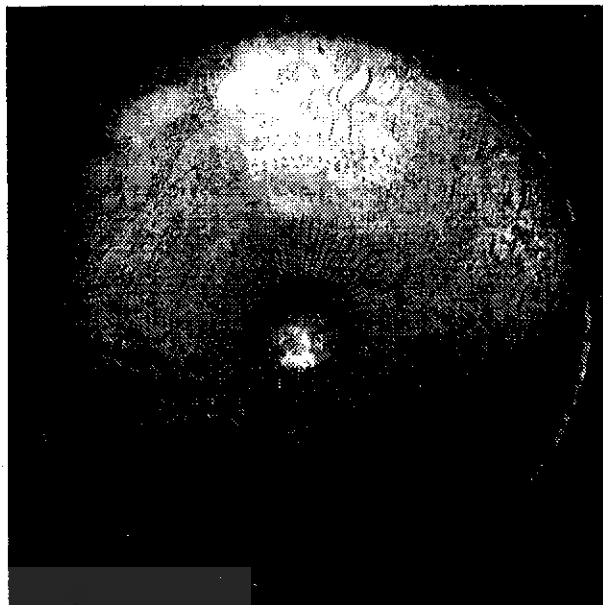
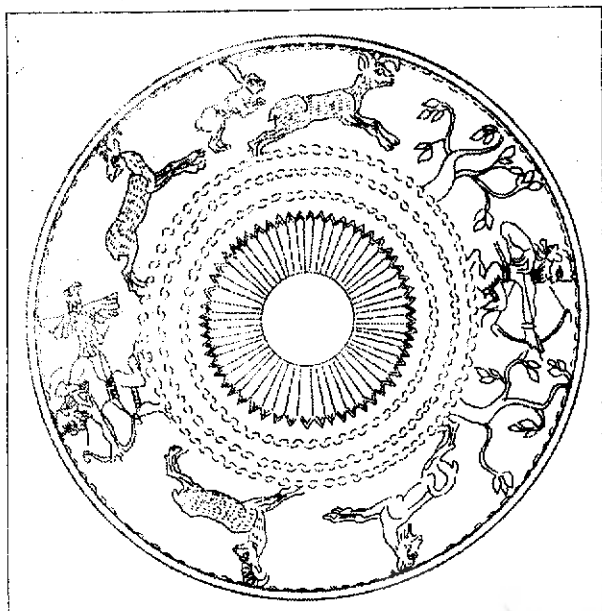
الف) سپری از گورستان چم ژی مومه
(Haerink&Overlaet 1998)

ب، ج، د) سپرهای آشوری (مجید زاده ۱۳۷۶)

ه) سپری از گورستان خاتون بان
(Overlaet 2003)



شکل شماره ۶: نقش قلعه بر روی سطل به دست آمده از گورستان چم زئی مومه (سمت چپ) و تصاویر قلعه‌های شمال سوریه در نقوش برجسته‌ی آشور نو (مجید زاده ۱۳۷۶: Haerink&Overlaet 1998)



شکل شماره ۷: جام برنزی گورستان چم ژی مومه (بالا) (Haerink&Overlaet 1998)

مهر استوانه ای به دست آمده از چغازنبیل (پایین) (ادیت پرادا ۱۳۷۵)